

فهرست آثار رازی به روایت بیرونی

مریم اردستانی

حاوی مطالب منحصر به فردی هستند؛ مطالبی که در دیگر مآخذ و منابع اسلامی یافت نمی‌شوند.

مخاطب ابوریحان در این رساله، شخصی است طالب دانستن نام‌های آثار رازی. به نوشته ابوریحان، این شخص هم‌چنین مشتاق بوده که بداند علم پزشکی از کجا آغاز شده و چه کسی قوانین آن را وضع کرده است.^۱ گفتنی است که ابوریحان در همان آغاز رساله مزبور، نام رازی را همراه با نام پدر و جدش به صورت «محمد بن زکریا بن یحیی الرازی» ذکر کرده است؛ و این تنها مأخذی است که درباره جد رازی خبری به دست داده است. افزون بر این، او درباره آغاز علم طب به کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین اشاره کرده؛ و بدین ترتیب از حضور این کتاب تا تاریخ نگارش رساله خود خبر داده است.^۲ ابوریحان پس از آن‌که مخاطب خود را از ذکر کتاب‌های رازی که دیده یا به نام آن‌ها به راهنمایی دیگر آثار رازی دست یافته بوده، در رساله مورد بحث ما مطمئن می‌کند، خطاب به او چنین اظهار داشته که اگر محترم‌ش نمی‌داشته، هرگز به چنین کاری دست نمی‌یازیده است؛ چرا که یاد کردن از رازی و ذکر آثار او، توهم پیرویش از رازی را پدید می‌آورده است؛ و این در حالی است که رازی به مذهب مانوی تمایل داشته و در کتاب فی النبوات (نقض الادیان) خود، به استخفاف

کتاب مورد بحث ما با عنوان رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی، رساله‌ای است به زبان عربی از ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (۳۶۲ - ۴۰۴ ق) در ذکر کتاب‌های پزشکی و فیلسوف‌نامدار جهان اسلام، محمد بن زکریا رازی (م ۳۱۳ ق). ابوریحان، این رساله را دوازده سال پیش از مرگش به سال ۴۲۷ هجری به نگارش درآورده و فهرست آثار نگاشته خود تا این سال را نیز بدان افزوده است. او در نگارش این رساله، سنت متداول فهرست‌نویسی پیشینیان را در نظر داشته است.

می‌دانیم که در دوران پیش از اسلام، طبیب و فیلسوف پرغامسی به نام جالینوس، فهرستی از کتاب‌های خود فراهم آورده بود. از این فهرست که به زبان یونانی «پیناکس» خوانده می‌شود و در کتاب‌های عربی به صورت «فینکس» ضبط شده، ترجمه‌ای به زبان عربی باقی مانده است. میکروفیلم نسخه‌ای از این ترجمه به شماره ۲۰۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. در دوره اسلامی نیز، حنین بن اسحاق، در رساله‌ای نگاشته به خواهش علی بن یحیی، از آثار ترجمه شده و ناشده جالینوس به زبان‌های سریانی و عربی یاد کرد. بنابراین می‌توان گفت که در دوره اسلامی، فهرست‌نگاشته ابوریحان بیرونی، بعد از رساله حنین بن اسحاق، دومین فهرست موجودی است که در آن، آثار دانشمندی توسط دانشمندی دیگر معرفی شده است. این فهرست، نه تنها صورتی از آثار رازی و شخص بیرونی را شامل می‌شود، بلکه بسیاری از مطالب مختلف در تاریخ علم یونانی و اسلامی را در خود دارد که با وجود اختصارشان،

۱. ابوریحان بیرونی، فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی، به تصحیح و ترجمه و تعلیق دکتر مهدی محقق، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱.
۲. همان، ص ۱-۲.

بزرگان پرداخته است. البته، اکنون از نقل قطعاتی از این اثر در اعلام النبوة ابوحاتم رازی و از رد انتساب آن آگاهیم.^۱

ابوریحان آن‌گاه از مطالعه کتاب علم الهی زکریای رازی و شیفتگی خود به مطالعه آثار مانی، به ویژه کتاب سفرا لاسرار او در مدتی نزدیک به چهل سال از زندگی‌اش، و نیز از دستیابی به کتاب مذکور و خلاصه کردن آن به قصد گمراه نشدن دیگران سخن گفته است.^۲ او سپس به شرح حال رازی پرداخته است. در این شرح حال، تولد رازی به سال ۲۵۱ قمری در شهر ری یاد شده^۳ و از اشتغال او به کیمیا و رسیدن آفاتی چند به چشمش و کشانیده شدن وی به علم پزشکی در پی معالجه چشمش سخن به میان آمده است. هم‌چنین به نیازمندی شاهان بزرگ به رازی و سرانجام، به نابینایی او در پی مطالعه مستمر در نور کم و مصرف بیش از حد باقلی، و سود نبخشیدن تلاش یکی از شاگردانش برای معالجه وی اشاره شده است. ابوریحان تاریخ وفات رازی را پنجم شعبان سال ۳۱۳ ذکر کرده و آن‌گاه اسامی کتاب‌های رازی را بر اساس یک طبقه‌بندی موضوعی به این شرح ذکر کرده است: ۵۶ کتاب در «طب»؛ ۳۳ کتاب در «طبیعیات»؛ هفت کتاب در «منطق»؛ ده کتاب در «ریاضیات و نجوم»؛ هفت کتاب در «تفسیر و تلخیص و اختصار کتاب‌های فلسفی یا طبی دیگران»؛ هفده کتاب در «علوم فلسفی و تخمینی»؛ شش کتاب در «ما فوق الطبيعة»؛ چهارده کتاب در «الهیات»؛ ۲۲ کتاب در «کیمیا»؛ دو کتاب در «کفریات»؛ ده کتاب در «فنون مختلف».

مجموع این کتاب‌ها بالغ بر ۱۸۴ عنوان می‌شود.^۴

بدین سان، فهرست بیرونی، پس از فهرست به دست داده ابن‌ندیم، مهم‌ترین مأخذ برای آشنایی با آثار محمد بن زکریای رازی به شمار می‌رود؛ چرا که با وجود اکتفا کردن بیرونی به ذکر عنوان کتاب‌های رازی بدون هیچ توضیحی، مراجعه بدان ما را در آگاهی از مطالب علمی و تاریخی چندی، به ویژه در باب مباحث ملل و نحل، یاری می‌دهد. برای مثال، به مدد این فهرست درمی‌یابیم که میان رازی و ابوالقاسم کعبی بلخی - رئیس معتزله بغداد - در مسئله زمان مناظراتی رخ داده بود و همین بلخی کتاب علم الهی رازی را نقض کرده بوده است.^۵ هم‌چنین از ردیه مسمعی - از اصحاب نظام معتزلی - بر معتقدان به قدم هیولی و ردیه رازی بر او یاد شده^۶ و نیز از مناظره میان رازی و شهید بلخی در مسئله لذت و الم و ردیه رازی بر مسئله معاد از دید شهید بلخی سخن به میان آمده است.^۷ دیگر کسانی که مورد نقص رازی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: ناشی و جاحظ - از بزرگان معتزله - به سبب نوشتن ردیه بر طب؛ احمد بن طبیب سرخسی در باب مسئله

«طعم تلخ»؛ و احمد بن کیال اسماعیلی در باب مسئله «امامت».^۸

ابوریحان پس از ذکر نام کتاب‌های رازی، در باب دومین خواهش مخاطب خود، یعنی آغاز علم پزشکی بحث می‌کند. به نوشته او، برخی حصول علوم را توفیقی دانسته و برای هر علمی، پیامبری یاد کرده‌اند؛ در حالی که عده‌ای شناسایی علوم را غریزی آدمی، و در او بالقوه و در حیوان بالفعل می‌دانند. ابوریحان داستان حقتنه پرنده مبتلا به قولنج و نیز ماجرای نقل شده در قرآن در باب آموختن دفن‌مردگان از کلاغ را شاهد آموزه دوم آورده است. او در ادامه در مورد علم پزشکی، جدولی رسم می‌کند که از اسقلیبوس اول آغاز و به جالینوس ختم می‌شود. او در فصلی مشیع برای تعیین تاریخ این پزشکان از تاریخ‌های ایرانیان و تاریخ اسکندر و تاریخ یهود بهره گرفته تا سرانجام زمان هر یک، و به ویژه جالینوس را، البته با شک در تاریخ تعیین کرده اسحاق بن حنین معین کرده است.^۹ ابوریحان با اشاره به باور جمهور یونانیان به اختراع طب توسط اسقلیبوس اول، برخی به الهام و برخی به تجربه، خود، او را فرزند آدم ابوالبشر خوانده و علم وی را به «علم آدم من الاسماء» ارجاع می‌دهد.^{۱۰} در این قسمت، ابوریحان اطلاعات فراوانی درباره مراکز قدیم علم پزشکی و روش‌های ایرانیان و هندیان در حفظ میراث علمی خود در طبقات خاص اجتماعی به دست می‌دهد او

۱. ابوحاتم رازی، اعلام النبوة، به کوشش صلاح الصاوی و غلامرضا اعوانی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۰-۱۳؛ برای رد انتساب چنین کتاب‌هایی به محمد بن زکریا نک: محمد کریمی زنجانی اصل، «رازی، ابوبکر محمد بن زکریا»، دایرة المعارف تشیع، ویراسته احمد صدر حاج سیدجوادی و...، تهران، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۸۶.
۲. ابوریحان بیرونی، فهرست کتاب‌های رازی، پیشین، ص ۳-۴.
۳. اکنون بر اساس تحقیق استاد عبدالحسین حائری و در پی کشف رساله داه خفی محمد بن زکریا می‌دانیم که او در عهد معتضد عباسی، یعنی میان سال‌های ۲۷۹ تا ۲۸۹ قمری در بغداد بوده و با توجه به ریاستش بر بیمارستان ری پیش از سفر به بغداد، بنا به گفته ابن‌ابی‌اصیبه و قفطی، تولد او را از ۲۴۰ قمری نیز زودتر می‌باید دانست؛ هم‌چنان که بدین ترتیب، داستان معروف آغاز تحصیل او پس از چهل سالگی هم مورد تردید قرار می‌گیرد. نک: عبدالحسین حائری، «معرفی یکی از آثار باز یافته محمد زکریای رازی و نکته‌ای درباره زندگی او»، مجله وجد، سال دوم، دی ۱۳۴۳، ص ۷۸-۸۰.
۴. ابوریحان بیرونی، فهرست کتاب‌های رازی، پیشین، ص ۵-۱۸.
۵. همان، ص ۹، ۱۳.
۶. همان، ص ۹.
۷. همان، ص ۱۰، ۱۳.
۸. همان، ص ۵، ۱۱ و ۱۵.
۹. همان، ص ۲۰-۲۲.
۱۰. همان، ص ۲۴-۲۵.

میراث شهاب

و علاقه‌مندان به آثار وی از آن بهره‌می‌گرفته‌اند؛ چنان‌که دو سده بعد از وی، مردی از شهر تبریز، به نام ابواسحاق ابراهیم بن محمد، معروف به غضنفر تبریزی، با علاقه مفراطش به علم نجوم، در رساله نگاشته‌اش به نام المشاطة لرسالة الفهرست، از آشنایی خود با آثار ابوریحان یاد می‌کند و پس از بزرگداشت استاد در فصلی مشبع، به بیان و گزارش «رؤیای» نقل کرده ابوریحان در این رساله همت می‌گمارد.^۳

رساله ابوریحان در سده‌ای که گذشت مورد توجه ایران‌شناسان چندی قرار گرفته است. چنان‌که ویدمان در سال ۱۹۲۱ میلادی، بخش مربوط به آثار بیرونی از این رساله را به زبان آلمانی ترجمه کرد و شرح داد. در سال ۱۹۲۲ نیز روسکا بخش مربوط به آثار رازی از این رساله را به زبان آلمانی ترجمه کرد و بر آن تعلیقاتی نوشت. پیش از آن‌ها نیز زاخانو در مقدمه کتاب آثار الباقیة از بخش مربوط به آثار بیرونی در این رساله بهره گرفته بود. این فهرست، به دست پل کراوس در سال ۱۹۳۶ از روی نسخه منحصر به فرد کتابخانه لیدن به شماره ۱۳۳ با عنوان رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی منتشر شده^۴ و مورد توجه محققانی چون بوآلو نیز بوده است.^۵ از محققان ایرانی نیز باید از دکتر محمود نجم‌آبادی و دکتر ذبیح‌الله صفا و دکتر پرویز اذکایی یاد کرد که در آثار خود از این رساله بهره گرفته‌اند؛^۶ احمد سعیدخان، محقق هندی‌الاصل نیز در این زمره است.^۷ این رساله به تصحیح و ترجمه فارسی و تعلیقات سودمند دکتر مهدی محقق، همراه با المشاطة لرسالة الفهرست در سال ۱۳۷۱ شمسی در تهران منتشر شده است.

هم‌چنین از قدّم و حدود علوم بحث و به قدیمی‌ترین کتاب هندیان در طب به نام کتاب چرک اشاره می‌کند.

ابوریحان سرانجام خطاب به مخاطبش می‌نویسد که اکنون پس از برآوردن خواهش او در ذکر کتاب‌های رازی و آغاز علم پزشکی، بحث خود را با ذکر عنوان کتاب‌های نگاشته خود تا آن هنگام (سال ۴۲۷ ق) در سن ۶۵ سال قمری و ۶۳ سال شمسی به پایان می‌برد. او از ۱۱۳ کتاب نگاشته خود نام می‌برد؛ که البته برخی از آن‌ها در آن هنگام ناتمام بوده‌اند. هم‌چنین به خوابی که در ۶۱ سالگی دیده و نیز به پیش‌بینی خوابگزاران درباره میزان عمرش اشاره می‌کند.^۱ اکنون می‌دانیم که او موفق می‌شود نگارش بسیاری از آثار نیمه تمام ذکر شده در این فهرست، مانند قانون مسعودی و آثار الباقیة را به پایان برساند.

ابوریحان آثار ذکر شده را چنین طبقه‌بندی کرده است: ۳۳ کتاب در نجوم و زیج و تعیین مسافات و تعیین اوقات شرعی؛ هشت کتاب در علم حساب؛ چهار کتاب در شعاع‌ها و گذرگاه‌ها؛ پنج کتاب در آنچه به ابزارها و عمل بدان‌ها مربوط است؛ پنج کتاب در آنچه به زبان‌ها و گاه‌ها مربوط است؛ پنج کتاب درباره ستارگان دنباله‌دار و ستارگان گیسودار؛ دوازده کتاب در علوم و فنون مختلف؛ هفت کتاب درباره احکام نجوم؛ سیزده کتاب در آنچه به هزل مربوط است؛ شش کتاب درباره عقاید؛ پنج کتاب از آنچه نسخه‌هایشان از بین رفته است؛ ده کتاب ناتمام؛ دوازده کتاب نگاشته ابونصر عراق به نام ابوریحان؛ دوازده کتاب نگاشته ابوسهل مسیحی به نام ابوریحان؛ یک کتاب نگاشته ابوعلی گیلی به نام ابوریحان. ابوریحان بدین سان در پایان این رساله به کتاب‌هایی اشاره کرده است که دانشمندان بنام آن روزگار، ابونصر منصور بن عراق، ابوسهل مسیحی و ابوعلی گیلی به نام او نگاشته بوده‌اند. بیرونی این کتاب‌ها را پرورش یافتگان در دامن خود دانسته و میان آن‌ها و نگاشته‌های خود تفاوتی نمی‌نهد. تعداد این آثار ۲۵ عنوان است که با ۱۱۳ عنوان نگاشته خود بیرونی، ۱۳۸ عنوان کتاب را به دست می‌دهد. با توجه به از بین رفتن بسیاری از این آثار، آگاهی از عناوین آن‌ها نشان دهنده توانایی و چیره‌دستی ابوریحان در علوم و فنون مختلف است؛ هم‌چنان‌که ما را در تشخیص آثار تازه‌یاب او یاری می‌دهد.

فهرست مزبور، هم‌چنین درباره روابط ابوریحان با دانشمندان زمانه‌اش و دیدگاهش در باب آرای برخی از آن‌ها نیز اطلاعات مفیدی در اختیار ما می‌نهد؛ دانشمندانی مانند خوارزمی، ابوالحسن اهوازی، فرغانی، ابوسهل کوهی، عمر بن فرخان، بتانی، و ابومعشر بلخی.^۲

فهرست نگاشته بیرونی در سده‌های بعدی نیز موجود بوده

۱. همان، ص ۲۶، ۲۷-۳۸.

۲. همان، ص ۲۶-۴۲.

۳. همان، ص ۷۵-۱۱۰.

۴. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیة، به کوشش ادوارد زاخانو، لایپزیک، ۱۸۷۸ م، مقدمه مصحح، ص ۳۸-۴۸؛ احمد سعیدخان، کتاب‌شناسی ابوریحان بیرونی، ترجمه عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۸؛ محمود نجم‌آبادی، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۱۹.

۵. دژ. بوآلو، کارنامه بیرونی، ترجمه و نگارش پرویز اذکایی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۷-۶۴، ۷۲-۷۳.

۶. پرویز اذکایی، ابوریحان بیرونی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۵-۳۲؛ ذبیح‌الله صفا، احوال و آثار بیرونی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۶۱-۸۰؛ محمود نجم‌آبادی، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، پیشین، ص ۸۷.

۷. احمد سعیدخان، کتاب‌شناسی ابوریحان بیرونی، ترجمه عبدالحی حبیبی، پیشین، ص ۱۶، ۱۴۶-۱۴۸.